

خبرها

باید مشخص شود که به کجا وصلند

ایستنا : محمد هاشمی برادر اکبر هاشمی رفسنجانی با اشاره به بروز تشنج در سخنرانی اخیر هاشمی رفسنجانی در قم ، عاملان ایجاد این تشنج را افرادی ناآگاه ، تحریک شده و بی اطلاع معرفی کرد و گفت : این افراد تحت تأثیر فضایی هستند که دیگران برای آنها ایجاد می کنند. وی با بیان اینکه «در مقاطع زمانی مختلف همواره نسبت به هاشمی رفسنجانی کینه ویزهای وجود داشته است» گفت : این کینه از سوی رسانه‌های خارجی و البته از سوی برخی رسانه‌ها و گروه‌های داخلی نیز همیشه وجود داشته است. وی با این توضیح گفت : آمریکا تلاش می کند مردم و انسجام ملی را به هم بزند. ضربه زدن به نظام و انقلاب و ایجاد تفرقه و دودستگی یکی از برنامه‌های دشمن است و یکی از مظاهر آن قضایای اخیر آذربایجان است. حرکتی هم که اخیراً در سخنرانی آقای هاشمی رفسنجانی از سوی برخی صورت گرفت ، در راستای همین نوع توطئه‌ها است. باید ریشه‌های این قضیه را مورد بررسی قرار داد تا مشخص شود که به کجا وصلند ، از کجا دستور می گیرند و چه کسی به آنها خط می دهد. والا اقدام شخصی که ناآگاهانه کاری را انجام می دهد، خیلی مهم نیست.

تخصن در دانشگاه امریکبر

ایلتنا : اعضای جدید شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه امریکبر در اعتراض به بازداشت دو عضو سابق این انجمن و برخورد با فعالان دانشجویی روز گذشته اقدام به تحصن در صحن دانشگاه کردند. این دانشجویان معترض خواستار آزادی یاشار قاجار و عابد توانچه‌دیر و عضو سابق انجمن اسلامی دانشجویان امریکبر و حذف برخورد با فعالان دانشجویی این دانشگاه شدند.

انتقاد کروی‌ی از تندروی انجمن‌های اسلامی

ایستنا : مهدی کروی‌ی دبیرکل حزب اعتماد ملی در دیدار با اعضای انجمن اسلامی دانشگاه تهران ، طیف ستنی ، با اشاره به برخی نگاه‌های رادیکال در میان اصلاح‌طلبان که دانشجویان این انجمن اسلامی نیز از ورود آنها به انجمن‌های اسلامی گلایه داشتند، گفت : «برخی روزنامه‌نگاران حرف‌های تند می‌دهند ، ولی باید دید چرا در جمع حکومتی‌ها بودند؟ اگر این قبیل روزنامه‌نگاران به جمع حکومتی‌ها وارد نمی‌شدند و پشتیبان آنها نمی‌شدند هم حکومتی‌ها ضربه نمی‌دیدند و هم حرکت دوم‌خردابه هم نشوون می‌دادند. آنها وارد حکومت شدند و حکومتی‌ها هم حاشیانش کردند. حتی برخی مسئولان هم به ورود آنها حساس شدند. آنها به برکت دوم‌خرداد وارد حکومت شدند. وقتی آدم بی‌تجربه کار سیاسی نتجیده‌کرد مشکلاتی پیش می‌آید. آن زمان مدام گفتیم با برخی از شخصیت‌های نظام این گونه برخورد نکنید و دچار افراط نشوید. اگر حساب شده برخورد نکنیم مسائلی پیش می‌آید که بعدها حتی لودمان هم نمی‌توانیم از آن دفاع کنیم.» کروی در ادامه گفت : «ما به ستنی رفته بودیم که مدام شعارهای تند سیاسی دهیم. همه حق افرادی داریم که به لحاظ حرف‌های اصلاح طلب هستند، اما نمی‌خواهند عنصر حزب خاصی باشند. ما حتی اصلاح‌نروهای خود را برآورد نکردیم. ما خواستیم همه خود را با شاخص‌های ما هماهنگ کنند.» کروی تأکید کرد: «بهترین و عالی‌ترین مسیر، مسیر امام(ره) است که انجمن تهران و علوم پزشکی انتخاب کرده است. اگر واقعاً می‌خواهیم به مردم و اسلام خدمت کنیم و در صحنه‌های سیاسی هم باشیم باید کلیت این قالب را نگه داریم. جمهوری اسلامی همان مردم‌سالاری و رعایت حقوق مردم و اسلام است نه اسلام مزاجم.»

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۸۵

هر پدیده اجتماعی واجد وجوه مختلفی است. بسیاری از جامعه‌شناسان برای تحلیل بهتر وقایع اجتماعی تومان‌به عوامل خود و کلان می‌پردازند. از نظر ایان عامل و ساختار در کنار یکدیگر موجد واقعیت اجتماعی هستند. شکل‌گیری جنبش دانشجویی نیز از این قاعده مستثنی نیست. کنشگران دانشجویی در ارتباط با ساختارهای موجود، جنبش دانشجویی را در مکان و زمان خاصی خلق می‌کنند. کنشگران ساختار را می‌سازند و ساختار، کنشگران را مقید و هدایت می‌کند. در تحلیل جنبش دانشجویی ایران علاوه بر توجه به عاملین و ساختارها می‌بایست به زمان و مکان وقوع این جنبش توجه ویژه‌ای داشت. این جنبش در محدوده جغرافیایی – تاریخی ایران واقع است و تاریخ معاصر ایران از مشروطه تا امروز شاهد خیزش‌های پی‌رؤز و فرودی برای استقلال، آزادی، دموکراسی، عدالت اجتماعی و حقوق بشر است. ایگونه است که در تحلیل جنبش دانشجویی ایران ابتدا باید به رسالت تاریخی آن توجه داشت. در ادامه مقاله با تشریح دو وجه توجه به «اهداف تاریخی» و «انگه به زندگی بهتر» به تبیین و تحلیل جنبش دانشجویی ایران پرداخته می‌شود.

وجه اول

همان‌طور که گفته شد جنبش دانشجویی در وجه حامل اهداف تاریخی باید واجد امکانات و خصوصیاتِ جهت حرکت به سمت اهداف خود باشد. ۱- شکاف و دوگانگی حاصل از مطالبات جنبش دانشجویی شامل آزادی، دموکراسی، حقوق بشر و عدالت اجتماعی را می‌توان حول شکاف و دوگانگی بین دموکراسی و اقتدارگرایی دسته‌بندی کرد. این شکاف مهم‌ترین شکافی است که طی چند ده سال اخیر توسط روشنفکران و نظر به‌پردازان تبیین شده‌است. اما کمترین تلاش عملی‌ای به جهت تعمیق آن به سود دموکراسی صورت گرفته است.

۲- گفتمان جنبش دانشجویی ایران بر آن است که از طریق تقویت عرصه عمومی جامعه مدنی به سمت تحقق اهداف تاریخی جنبش دانشجویی حرکت کند. استراتژی «دیده‌بانی جامعه مدنی» و «صلح در جهان و دموکراسی در ایران» در گفتمان تقویت عرصه عمومی شکل می‌گیرد. شیوه عمل در چارچوب این گفتمان، مبارزه با مسالمت‌آمیز مدنی است. در این نوع مبارزه کاربرد خشونت تقبیح می‌شود و راه رسیدن به هدف از طریق راهکارهای نظیر تشکیل گروه‌های فشار غیررسمی، عدم همکاری با جریان‌های متشاق و برابر تغییر، افشاگری، انتشار بیانیه‌ها و نامه‌های سرگشاده و تشکیل NGOها با هدف تعمیق آگاهی ندبال می‌شود.

۳- کنشگران دانشجویی مومن به آزادی، دموکراسی، حقوق بشر و عدالت اجتماعی حاملان جنبش دانشجویی هستند. این حاملان تعلق به لایه‌ها و گروه‌های غیر همگن دارند. خاستگاه اجتماعی دانشجویان از پائین‌ترین لایه‌های اجتماعی تا بالاترین آن را دربرمی‌گیرد. پراکنش پایگاه اجتماعی- اقتصادی دانشجویان آنها در برابر نیازها و مطالبات قشرهای متفاوت مردم قرار داده است. جامعه انتظار دارد که مطالبات خویش را با زبانی گویا از زبان دانشجویان بشنود. از این رو دانشجویان همواره با انتقال آگاهی به خاستگاه‌های اجتماعی خویش، متقابلاً مطالبات آنان را از حاکمیت طرح می‌کنند. ۴- سازمان جنبش دانشجویی ایران همچنین ادفتر تحکیم وحدت» و انجمن‌های اسلامی عضو آن هستند. هرچند تلاش‌های بسیاری در جهت ایجاد مانع در مسیر تحکیم و انجمن هایش صورت گرفته است، اما ورودی‌های اخیر در دانشگاه‌های صنعتی شریف، شهید رجایی، سهند تبریز و تهران حاکی از آن است که جنبش‌های

سیاسیست

گذار از بوروکراسی در دفتر تحکیم وحدت

در حاشیه فقر جامعه شناس ایرانی در فهم جنبش دانشجویی

مجتبی بیات*



بودن سطح کیفی زندگی روزمره، اعتراض به پایین بودن کیفیت آموزشی در دانشگاه‌ها، اعتراض به قوانین دست و پاگیر آموزشی و محدودیت‌های بوروکراتیک و اعتراض به نبود آزادی‌های مدنی در داخل و خارج دانشگاه از مصادیق مطالبات دانشجویی در وجه دوم است. مطابق با این وجه در مواجهه جنبش دانشجویی با «نگاه به زندگی بهتر»، محدودیت‌های سازمانی رنگ می‌بازد و دموکراسی دانشجویان خود را با مسئله جنبش درگیر می‌یابند و به آن نژمه این وجه از جنبش دانشجویی تحلیل کرد.

حاصل و نتیجه این دووجه

تومان مورد بحث و تحلیل قرار داد. توجه تومان به مطالبات تاریخی و آنچه در حیطه مطالعه زندگی بهتر قرار می‌گیرد پوشش‌دهی جنبش دانشجویی ایران است. در نگاه ترکیبی، جنبش دانشجویی در جایگاه یکی از اجرای عرصه عمومی با ترکیب مطالبات صنفی و سیاسی، شکل نوینی از روابط دموکراتیک را در تمامی وجوه زندگی و فعالیت‌های دانشجویی رقم می‌زند. این نگاه شاهد گسترش جنبش دانشجویی توسط احزاب و دولت نخواهد بود، چرا که جنبش در کنار نگاه به زندگی بهتر فقط برای تسهیل در پیگیری مطالبات تاریخی خود در پی برقراری ارتباط متوازن با احزاب و گروه‌های سیاسی خارج از دانشگاه بر می‌آید. این ارتباط نه در عرصه نابرابر قدرت و سیاست

که در عرصه عمومی شکل می‌گیرد. در نگاه ترکیبی به هیچ وجه مطالبات صنفی و نگاه به زندگی بهتر مغفول نمی‌ماند. چرا که تلاش برای ارتقای کیفیت زندگی دانشجویی به صورت فزاینده‌ای جایگاه خویش را در جنبش باز می‌یابد. همچنین مطرح شدن همزمان وجه اول و وجه دوم جنبش در عرصه عمومی، زمینه را برای برقراری ارتباط دیالکتیکی بین آنها فراهم می‌سازد. به عنوان مثال تلاش برای تحقق دموکراسی در بستر عرصه عمومی فضا را در جهت ارتقای کیفیت آموزشی فراهم می‌کند. همان‌طور که مطرح شدن نارسایی‌های صنفی و رفاهی زمینه بسپح دانشجویان را با گرایش‌های سیاسی گوناگون جهت پاسخگو کردن مسئولان در قبال مسئولیت‌شان فراهم می‌کند. با ناگناه ترکیبی جنبش دانشجویی در جایگاه یکی از ارکان جامعه مدنی، نهاد قدرت را نقد و اقتدار آن را به چالش می‌کشد.

طرح مطالبات فزاینده و متنوع دانشجویان در این مدل، جنبش دانشجویی را از پشتوانه لازم جهت کنش سیاسی برخوردار می‌کند. فعالیت دانشجویی در زمینه‌های صنفی و اجتماعی با نگاه به زندگی بهتر به جنبش دانشجویی نزد آن دسته از دانشجویانی که در وهله نخست نسبت به مطالبات سیاسی جنبش اهتمامی نمی‌ورزند می‌انجامد. در جامعه‌ای که حاکمان با دست‌اندازی در تمام وجوه زندگی مردم سعی در شکل دهی به آرا، افکار و اخلاقیات آنان دارند، طبیعی است که طرح موضوعات اجتماعی و صنفی توسط دانشجویان ناگزیر بر آنان را به انتقاد از حوزه سیاسی و قدرت وامی‌دارد. در اینجا است که نقادی جنبش دانشجویی از هر چیز، نه برای نقد و نه نقادی آکادمیک در حیطه آنچه که در آن حوزه‌های رسمی می‌آموزد، بلکه صورت نقد برای فراتر رفتن و امرگشای اجتماعی خاصی به سوی مرحله‌ای تکامل یافته‌تر که همان نیل نهایی به جامعه‌ای آزاد و دموکراتیک است را به خود می‌گیرد. همچنین جنبش دانشجویی با پرداختن به مطالبات مربوط به ارتقای سطح زندگی روزمره دانشجویان و خواهان تسهیل در حاکمان در برابر حجم عظیمی از مطالبات که در ظاهر ربطی به امر سیاسی ندارد، می‌شود و از این طریق ضمن رشد و گسترش و آگاه‌سازی به سازماندهی دانشجویان می‌پردازد. کسب اعتماد و همراهی دانشجویان باید با کاهش فزاینده بوروکراسی حاکم بر جنبش همراه باشد تا زمینه مشارکت افراد بیشتری جهت حرکت به سمت اهداف فراهم شود. پس نهادهای سازمان‌دهنده جنبش باید قدری از فضای تشکیلاتی خود فاصله گرفته و امکانات خود را در اختیار عموم فعالان دانشجویی با مطالبات تاریخی و غیر تاریخی مربوط به نگاه به زندگی بهتر قرار دهند. نگارنده معتقد است که برخی جامعه‌شناسان سیاسی در ایران که ردای دانشگاهی را نیز بر تن کرده‌اند با گرفتار خود در قید و بندهای بقا در عرصه، از تحلیل واقع‌بینانه و همه‌جانبه جنبش دانشجویی دست‌انداخته‌اند. در واقع جامعه‌شناس ایرانی با فقر فهم جنبش دانشجویی دست به گریبان است. چه اگر ایگونه بود می‌توانست به ارائه تحلیل‌های دقیق و جامعه‌شناختی از کنش دانشجویی در چند اسیر بپردازد نه اینکه با نگاهی جانبدارانه آنان را «خرس بی‌محل» تشبیه کند. نگارنده در جایگاه عضو کنشگر در جریان دانشجویی معتقد است که تا تحقق کامل وجه تاریخی مطالبات جنبش دانشجویی، مطالبات دلمی جنبش یعنی آزادی، دموکراسی، حقوق بشر و عدالت اجتماعی در اولویت خواهد بود، که در کنار آن مطالبات موسسی جنبش دانشجویی در چارچوب وجه «نگاه به زندگی بهتر» ظهور و دانشجویان را به کنش وامی‌دارد. برای تحلیل پدیده اجتماعی باید ابتدا آن را فهم کرد و سپس به تلاش برای تبیین و تحلیل آن پرداخت.

* عضو شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت

نقدی بر مقاله حمیدرضا جلابی پور در انتقاد از انجمن‌های اسلامی

کدام هویت، کدام غفلت

احمد زاهدی لنگرودی

گروه‌ها در عرصه جامعه مدنی حضوری چشمگیر نیز دارند. اما دلیل نگاه آقای جلابی پور امر دیگری است، که در دکاسیمات فکری ایشان و نتیجه عملی آن قابل ردیابی است. انجمن‌های اسلامی همان‌طور که پیشتر اشاره شد تنها گزینه فعال برای حضور صنفی دانشجویان محسوب می‌شوند. اکنون نسلی جدید، از اواخر دهه هفتاد یا به شورای مرکزی این انجمن‌ها نهاده است که اصلاحات کند و نسفعل را فعالانه نقد کرده و جایگزین مناسب‌تری را برای دستیابی به شکل دیگری از زندگی جست‌وجو می‌کند. نسلی که قهرناش از رانه در مردان اصلاح‌طلب حاکم، بلکه در لایه‌های تیره و خواننده تاریخ جست‌وجو می‌کند. این نگرش البته برخلاف آنانی است که تا پیش از این، شعار کثرت‌گرایی سر می‌دادند. آقای جلابی پور اگر اندکی سر بپرچاند نهادهایی را در دانشگاه خواهند دید که از آژانه و با صبرف بودجه کافی، از «هویت دینی» دانشگاه‌ها و دانشجویان پاسداری می‌کنند. پس دیگر چه نیازی است که انجمن‌های اسلامی نیز «هویت دینی» تعریف نشده‌های جلابی پور را بذینفه و اشاعه دهند؟ آقای جلابی پور نخستین دلیل دفاع از «هویت دینی» برای انجمن‌های اسلامی را «آرامش بخشی» و دومین مورد را جلوگیری از ریزش نیروهای مذهبی صرفی‌اند و بطنی اخلاقی را پیش می‌کنند که موضوعیت مشترک آن در قاف از نخبه‌گرایی ایشان است. باکوئین در کتاب مسائل انقلاب می‌نویسد: «الفاظی و تقاهای آنها متفر و بیزار است. هر چیزی که انقلاب را تقویت کند اخلاقی و هر چیزی که از آن جلوگیری کند غیراخلاقی است.» بدین شکل است که آقای جلابی پور رفتار و گفتاری در انجمن‌های اسلامی اتفاق نظر وجود ندارد. «در همین آغاز بحث، جا دارد از آقای جلابی پور پرسیده شود که چرا همواره به دنبال «اتفاق نظر» می‌گردند؟ ایشان با همان ذهنیت دهه‌های پیش که شبهه‌محوریت و مقبولیتی در محافل مسلمان دانشجویی داشتند، قصد نقد «هویت انجمن‌های اسلامی کنونی در دانشگاه‌ها را دارند. این انجمن چرا باید «اتفاق نظر» داشت؟ برای آن است که اگر جز یک نظر مطرح باشد، ممکن است مانند اکنون، جریان مد نظر آقای جلابی پور در اقلیت قرار گیرد و قدرت از کف برود. برای همین است که مبنای آغاز بحث ایشان، در مورد انجمن‌های اسلامی خلاص است. انجمن‌های اسلامی در حال حاضر، تنها گزینه دانشجویان برای دفاع از منافع صنفی‌شان است و البته این منافع صنفی، حق آزادی بیان و نشر آژانه افکار و عقاید در قلمرو جنبش است. حال اگر انجمن‌های اسلامی را به صرف نام، به نفع نهادی مدیریت دانست، نمی‌توان عملکرد یک سندیکا یا فدراسیون دانشجویی – آنچه اکنون در خود دارد – را به آن واگذار کرد. پس دانشگاه را به محیطی بسته مبدل و دانشجویان را محدود کرده‌ایم. این اشارات آقای جلابی پور البته از آنجا ناشی شده که ایشان قدرت و مقبولیت جناح سیاسی خود را در بین قشر دانشجویی، از دست داده‌اند. «اتفاق نظر» و احتمالاً اتفاق نظر با آقای جلابی پور مهمتر است از آزادی دانشجویان در حقوق خود دفاع کنند و نحوه عمل مدنی خود را به ایشان واگذارند. اگر بر طبق قانون که آقای جلابی پور آن را نادیده می‌گیرند، محلی برای ایجاد تشکل‌های صنفی برای دگراندیشان پیش‌بین نشده چرا نباید آنها این حق را داشته باشند که در دانشگاه انجمن‌های اسلامی از حقوق خود دفاع کنند. اگر چه آقای جلابی پور مشال دفاع از حقوق دگراندیشان توسط فعالان طالبان را در مطلب خود ذکر کرده‌اند و باز بدون ذکر نمونه از کنش آن گذشته‌اند و آن را در حد یک حرف کلی در انتهای مطلبشان برای خوانندگان باقی گذاشته‌اند.

سال سوم ■ شماره ۷۷۷ شرق

نگاه

رنجی که امام امت می‌برد

مصطفی ایزدی

پس از قدرت گرفتن رضاخان و راه افتادن جریان غربی کردن ایران از طریق مدرنیتهٔ امپور کشور-داری، هر آن کس که به سیاست‌های او اعتراض و انتقاد می‌کرد، راهی جز نابودی یا انزوا برای خود نمی‌دید. روحانیان ازجمله اقشاری بودند که به دلیل نقش عمده‌شان در خیزش‌های پایان دوره قاجار، با بسیاری از راهبردهای مدیریتی رضاشاه که علی‌القاعده از طرف مشاوران و دستیاران متأثر از فرهنگ و تفکر غربی به او القا می‌شد، مخالف بودند. این مخالفت باعث انزوی شدید ناشی از برخورد‌های گوناگون پهلوی شد و سبب تحصیل حوزوی و علوم دینی به حداقل خود رسید. این‌ها در قم و به ندرت در شهرهای بزرگ کشور، چراغ‌های اندکی سوسو می‌زد و اقدام مهم و ستودنی شیخ عبدالکریم حائری‌یزدی در حفظ حوزه علمیه قم در مقابل ترقان فضیلت‌ا رضاخانی خلاصه می‌شد. همراه با آزادی‌های کوتاه‌مدت پس از شهریور ۱۳۲۰، که جمعی از علمای ایرانی متقیم نجف اشرف، به وطن خویش بازگشتند، شعله فروخته حوزه‌های ایران فروزان شد و مردان مصمم و دوراندیشی چون آیت‌الله سیدمحمدحسین طباطبائی بروجردی به ساماندهی علوم دینی و امور حوزوی پرداختند و تکانی مؤثر به جوامع اسلامی دادند. اما لختی برخورد‌های رضاخان و ترس ناشی از تکرار آن برخورد‌ها توسط فرزندش محمدرضاشاه، آیت‌الله بروجردی و شاگردان برجسته او را با سختی‌هایی روبه‌رو ساخت. عمده‌ترین پدیده‌ای که توان مصلحان حوزه‌های علمیه را می‌گرفت و پیشرفت را امر ناممکن می‌کرد، پدیده تخریر و وجود متحجران نسبتاً قدرتمند بود که دامن حوزه و حوزویان را همچنان رها نمی‌کرد. مخالفت با وحدت شیعه و سنی که نمای آن از قم و قاهره هم‌رسیده بود، مخالفت با آموزش علوم عقلی چون فلسفه، منطق از گرایش متبیین به اندیشه‌های غربی، مقاومت از طرح موضوع مدیریت کلان جامعه در غیاب امام زمان (عج)، برخورد با علموی به ظاهر غیر علوم اسلامی و شرعیات در دانشگاه‌ها و . . . گرفتاری‌هایی بود که دست و پای بزرگان نواندیش را در میان حوزویان می‌بست. از این میناه، یکی قیام می‌کند تا طرحی که دراندازد و اسلام را در پناه این طرح، احیا کند. اما باز هم، آتهایی که این قیام را یک گام جدید می‌دیدند، نه تنها به پاری‌اش نیامدند که به مخالفت با او برخاستند. این گام توسط امام سیدروح‌الله موسوی خمینی ردایشده شد که انگیز بسیار مدبرانه سرزودنش‌ساز بود. ولی پدیده تخریر همچنان مشکل ساز بود. امام خمینی در این باره می‌گوید: «در شرح مبارزات اسلامی اگر می‌خواستی بگویی شاه خدایت است، بلافاصله جواب می‌شنیدی که شاه شیعه است. علمای اهل‌هدس‌ساز و نویسگرا همه چیز را حرام می‌دانستند و هیچ‌کس قدرت این را نداشتند که در مقابل آنها قدم‌نهد. خون‌خو کی که پس‌پشترا از این دسته متحجر خورده است هرگز از فشارها و سیاست‌های جادفاد و قهاقت و در منطق ناانگیز شدن رشد در حوزو فردی و عبادی شد و قهر اقیقه هم مجاز نبود که از این دایره و حصار بیرون رود و در سیاست و حکومت دخالت نماید، حواصت روحانی‌ها به‌عبارت ملحد و مذهب فقیهیت شد، به‌زعم بعضی افراد، زمانی آثار احرام تخریر بود که حمایت از سربازان و جودش بیاد والا‌عالم سیاس و روحانی کاردان را زیرک، کسامدی زیر نیم‌کاسه داشت. و این از مسائل رایج حوزو‌ها بود که هرکس کج‌راه می‌رفت متشن تر بود. یادگوزن رلیج خود را خرابی، کفر و فسق و عفران، نگاه و شرک و ششمار می‌رفت و . . . حضرت امام خمینی با دل‌نگرانی از وجود چنین افراد ویسگرا و متحجر که همچنان در حوزه‌های علمیه و به تبع آنها در جامعه مشکل‌ساز هستند، به به طلاب و روحانیون جوان هشدار می‌دهد که «روحانیون وابسته و مقدس‌نما و تخریرگرا هم‌کم نبوده‌ند و نیستند. در حوزه‌های علمیه هستند افرادی که علیه انقلاب و اسلام تآب محمدی فعالیت دارند. امروز عده‌ای با ژست تقدس‌مانی جانی چنین شبهه در ریشه دین و انقلاب و نظام می‌زنند که گویی وظیفه‌ای غیر از این ندارند. خط تخریرگرایان و مقدس‌نمایان احق در حوزه‌های علمیه کم نیست. طلاب عزیز لحظه‌ای از فکر این مار‌های خوش‌خط و خال کوتاه‌نی‌کنند، اینها فروغ اسلام آمریکایی‌اند و دشمن رسول‌الله، آیا در مقابل این امر خناباید اتحاد طلاب عزیز حفظ شود؟» [این احساس خطر امام خمینی (ره) که بارها آن را اعلام کرده‌اند، امروز ذهن و فکر خیلی از روحانیان آگاه و بیادار حوزه‌ها و روشنفکران جامعه را به خود مشغول کرده است. چرا که متحجرین فیروز به مرور رنگ عوض می‌کنند و به صحنه می‌آیند. آنها که امام را به دلیل قیامش علیه استبداد و استعمار گنا گذاشتند و راضی شدند که شاگردان راستین آن بزرگوار روز‌های سختی را در تبعید و زندان و رنج بگذراند و از ناتوانی ملت در مبارزه سر دستگاران حاکم سخن می‌گفتند، امروز با شعار‌ها و لعاب‌های جوان‌پسند دراز میدان شده و در پی حذف آموزه‌های بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران هستند. بارمادگان کسانی که در نوآوری از خلاف شرع می‌دانستند و شوبریه کسان را به یوزنامه می‌خواندند، که به رادیو گوش می‌دادند یا در کلاس درس فلسفه و عرفان و زبان خارجی شرکت می‌کردند، با به مطالعه دروسی چون فزیک و جغرافیا مشغول می‌شدند، قطع جز پیشرفت و ملت سودایی ندیده و تلاش می‌کنند که با ویسگرایی و تخریر و توسل به موهومات و خرافات نامربوط به دین مقدس اسلام، پدیده‌های گذشته را احیا کنند. بدتر از این، فریب خوردن کسانی است که سده‌ا‌ه‌لوحه در دام متحجرین افتاده و از لباس شاگردی امام خمینی از پنداره‌های غلط و افکار مآنه تفکرات انحرافی که دل‌پدر پیر این ملت را همیشه به درد می‌آورد، پشتیبانی می‌کنند. آیا راه نجاتی هست؟ بی‌نوش‌ت‌ها: ۱۰ و ۲– صفحه ۱۱، ام ۲۱، ص ۹– ۲۷۸.

پیشنهاد مرتضی نبوی برای ائتلاف حول هاشمی رفسنجانی

ایستنا : مرتضی نبوی قائم‌مقام دبیرکل جامعه اسلامی مهندسین گفت : این امکانات در کشور وجود دارد که جریان میانه‌ای به غیر از جریان عده‌ای که در حال حاضر در کشور فعالیت می‌کنند با محوریت هاشمی رفسنجانی تشکیل شده و نقش تعدیل‌کننده و میانه‌ای را ایفا کند. قائم‌مقام دبیرکل جامعه اسلامی مهندسین بر سبب دیدگاه‌هایی که معتقدند در انتخابات خردادماه شاهد جریان رای‌بره ریضی معیاض‌یزدی و شاگردان او خواهیم بود، اظهار داشت : من چنین تحلیلی را چندان قبول ندارم و به نظر من این بزرگ‌نمایی است که برخی از افراد می‌کنند. تصور نمی‌کنم که آقای معیاض و شاگردانشان در مقامی باشند که بخواهند چنین جریانی ایجاد کنند و معتقدم که آیت‌الله معیاض‌یزدی به صورت مستقل وارد عرصه نخواهند شد و در قالب همان جامعه مدرسین و جامعه روحانیت فعالیت خواهند کرد. وی درباره این که در صورت شکل‌گیری جریان سومی با محوریت هاشمی رفسنجانی چه احزاب و گروه‌هایی در آن جای خواهند گرفت، گفت : شخصیت‌ها و احزابی در جامعه وجود دارند که ظرفیت قرار گرفتن حول این جریان را دارند، ولی من ترجیح می‌دهم که نامی از شخصیت‌ها و احزاب نبرم. همچنین گفت : برخی از دوستان تلاش می‌کنند بحث آیت‌الله و نامدان آقای هاشمی را در انتخابات خیرگان دانند انتخابات ریاست جمهوری مطرح کنند، در صورتی که به نظر من نباید نسبت به این امر تردید داشته باشیم. ایشان باید پایبند و مطرح‌کردن تردید در ارتباط با آمدن و نیامدن هاشمی رفسنجانی در انتخابات سوال‌برانگیز است.